

بازخوانی سند نوروز در روایات اسلامی مطالعه موردی: روایت مُعَلّی بن خُنَیس

حبیب زمانی محجوب*

چکیده

آیین سنتی نوروز، به‌عنوان میراث زنده فرهنگی، با اعتقادات مذهبی درآمیخته و یکی از مؤلفه‌های پیوند هویت ملی و دینی ایرانیان بدل محسوب می‌شود. از این‌رو، بررسی منابع روایی و فقهی نوروز، به‌عنوان بزرگ‌ترین جشن ملی بازمانده از ایران باستان، بسیار بااهمیت است. از آنجا که مبنای همه منابع و مصادر حدیثی و فقهی درباره نوروز روایت مُعَلّی بن خُنَیس، به نقل از امام صادق علیه السلام، است، در این پژوهش ضمن اشاره مختصری به سیر تطوّر نوروز، با روش توصیفی تحلیلی، به بررسی روایت مُعَلّی و صحت و سقم آن می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که روایت مُعَلّی درباره نوروز پذیرفتنی نیست؛ چراکه این روایت با وقایع تاریخی مطابق نیست. همچنین در نسخه‌های نخست مصباح المتهدج شیخ طوسی، نخستین اثر مورد استناد منابع پسین، چنین روایتی دیده نمی‌شود و در نسخه‌های پسین به آن افزوده شده است.

واژگان کلیدی

نوروز، مُعَلّی بن خُنَیس، امام صادق علیه السلام، مصباح المتهدج.

zamani1358@gmail.com

*. استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام.

نگارنده از مشاوره حجت‌الاسلام مهدی عبداللهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام و آقای روح‌الله توحیدی نیا، دانشجوی دکترای تاریخ اسلام دانشگاه تهران، در بخش‌هایی از مقاله بهره جسته که از آنها سپاسگزاری می‌کند.

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۶

طرح مسئله

نوروز، جشن و آیینی فراگیر در ایران و سرزمین‌های حوزه فرهنگ ایرانی است. این جشن افزون بر گستره پهناور سرزمین، به لحاظ تاریخی نیز از کهن‌ترین مشترکات مردمان این سرزمین‌هاست. این استمرار تاریخی سبب شده که نوروز در طول زمان با اندیشه‌ها، آرمان‌ها و جهان‌بینی‌های گوناگون که در حوزه جغرافیایی آن پدید آمدند، درآمیزد. نوروز با دین اسلام در طول چهارده قرن چندان درآمیخته که از آن تفکیک‌ناپذیر است؛ به‌ویژه آنکه روایاتی نیز درباره آن نقل شده است. این مقاله در پی پاسخ به میزان صحت و سقم روایت معلی بن خنیس^۱ در مورد نوروز است. فرض نگارنده این است که روایت منسوب به معلی بن خنیس مبنی بر تأیید نوروز از دیدگاه اسلام، صحیح نیست. بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد نوروز از مهم‌ترین موضوع‌های تاریخی است که از گذشته مورد توجه مورخان و جغرافی‌دانان و فقیهان بوده و در قرون معاصر نیز محققان ایرانی و مستشرقان را به سمت خود کشانده؛ تا جایی که هر یک به نوعی در مورد پیدایش و تاریخچه نوروز، آیین‌های مربوط به آن و جایگاه نوروز در دین اسلام تحقیقات بسیاری انجام داده‌اند. دامنه این تحقیقات به قدری وسیع است که تنها اشاره‌ای فهرست‌وار به آنها خود کتابی مفصل خواهد شد.^۲ با این حال درباره اسناد نوروز در روایات اسلامی به‌ویژه روایت معلی بن خنیس، تاکنون تحقیق جامعی انجام نشده است. رسول جعفریان در مقاله «نوروز در فرهنگ شیعه» (۱۳۷۶) و مهدی مهریزی در مقاله «نوروز در روایات اسلامی» (۱۳۷۹) مطالب بسیار خوبی درباره جایگاه نوروز در روایات اسلامی گرد آورده و به حدیث مزبور نیز اشاره کرده‌اند، اما به تحلیل آن نپرداخته‌اند. از این‌رو با وجود آثار فراوانی که تاکنون درباره نوروز انتشار یافته، خلاً پژوهش درباره ابعاد گوناگون نوروز وجود دارد. نوآوری پژوهش حاضر، افزون بر بررسی روایی حدیث معلی، واکاوی نسخه‌های چاپی و خطی مصباح المتعجد (نخستین اثری که منابع بعدی به آن استناد کرده‌اند) است.

سیر تطور نوروز

نوروز از دیرباز در میان ایرانیان و بلکه تمام آریاییان مرسوم بوده، ولی به‌درستی روشن نیست از چه

۱. معلی بن خنیس از شیعیان خاص امام جعفر صادق علیه السلام و متصدی امور مالی حضرت بود که در نهایت به دستور حاکم مدینه (داوود بن علی عباسی، عموی سفاح) در سال ۱۳۳ هجری در مدینه به قتل رسید. او بنده بنی‌اسد و سپس بنده امام صادق علیه السلام شد. وی در مدینه به دور از زن و فرزندش می‌زیست و شغلش نیز بزازی بود. (طوسی، رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۷۹ - ۶۷۵؛ قهپائی، مجمع الرجال، ج ۶، ص ۱۰۸ - ۱۰۷)
۲. بنگرید به: کریمیان سردشتی، کتابشناسی نوروز؛ آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۷۱ - ۳۸۴.

زمانی شروع شده است.^۱ فردوسی،^۲ مسعودی،^۳ گردیزی^۴ و بیرونی،^۵ برقراری نوروز را به جمشید نسبت می‌دهند. پارسیان بر این عقیده بودند که نوروز نخستین روزی است از زمانه، که در آن فلک آغاز گردید و اهورامزدا دست به خلقت جهان زد. از این رو، نخستین روز فروردین را اهورامزدا نام دادند.^۶

جشن نوروز یکی از دو جشن بزرگ پارسیان بود. در ایران باستان تقسیم سال به چهار فصل مرسوم نبود. آنان دو فصل گرما و سرما داشتند و در آغاز فصل گرما، جشن نوروز و در آغاز فصل سرما، جشن مهرگان را برگزار می‌کردند،^۷ اما در عهد ساسانیان نوروز در اول فصل بهار نبود، بلکه در فصول می‌گشت.^۸

با رونق دین زرتشتی در عصر ساسانیان، نوروز جنبه مذهبی به خود گرفت، زیرا توجه به فرایض دینی، لزوم دقت در اوقات را سبب گردید؛ یعنی نوروز پایان اعمال مذهبی سال گذشته و آغاز فرایض سال نو را مشخص می‌کرد.^۹ ایرانیان در این روز به نیایش می‌پرداختند که در منابع زرتشتی به آن اشاره شده است.^{۱۰}

۱. بنگرید به: رضایی، *تاریخ نوروز و گاهشماری در ایران*، ص ۱۴۲. درباره تاریخچه نوروز ر.ک: تقی‌زاده، «نوروز»، ص ۴۴۳ - ۴۲۹.

۲. وی سروده است:

جهان انجمن شد بر تخت او	فرو مانده از فرّه بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند	مر آن روز را «روز نو» خواندند
سر سال نو هرمنز فروردین	برآسوده از رنج تن، دل ز کین
بزرگان به شادی بیاراستند	می و جام و رامشگران خواستند
چنین روز فرخ از آن روزگار	بمانده از آن خسروان یادگار

(شاهنامه، ج ۱، ص ۶۳)

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ص ۲۶۴.

۴. گردیزی، *تاریخ گردیزی*، ص ۵۱۴.

۵. بیرونی، *آثار الباقیه*، ص ۳۳۱ - ۳۳۰.

۶. همان، ص ۳۲۹؛ همو، *التفهیم*، ص ۲۵۳.

۷. رضایی، *تاریخ نوروز و گاهشماری در ایران*، ص ۱۳۹.

۸. محیط طباطبایی، «نوروز و نوروزنامه»، ص ۱.

۹. نبی، *گاهشماری در تاریخ*، ص ۱۲۹.

۱۰. پوردوود، *یشت‌ها*، ص ۴۹؛ بهار، *بندهشن*، ص ۱۱۶، بند ۱۷۸. همچنین ر.ک: بیرونی، *آثار الباقیه*، ص ۳۲۷؛

سن، *ایران در زمان ساسانیان*، ص ۲۵۱ - ۲۵۰.

نوروز همواره عزیز بوده است، چه در نزد مغان و موبدان و چه در نزد مسلمانان. با ورود اسلام به ایران نوروز و آیین‌های آن نه تنها فراموش نشد، بلکه با آمدن به دستگاه خلافت، رسمیت یافت.^۱ البته برپایی نوروز از دوره خلافت امویان (۱۳۲ - ۴۰) اساساً جنبه مالی داشت و برای گرفتن خراج^۲ و هدایا بود.^۳ با وجود کوشش ناموفق عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ - ۹۹ ق) در منسوخ کردن هدایای نوروز و مهرگان،^۴ در دوره خلافت عباسی، با نفوذ خاندان‌های معروف ایرانی چون آل برمک و همچنین با روی کار آمدن سلسله‌های ایرانی، جشن نوروز با گستردگی بیشتری برگزار شد و رواج و شکوه بسیار یافت.^۵ به نقل از ابن شهر آشوب در نوروزی، منصور دوانیقی به امام موسی کاظم علیه السلام دستور داد در مجلس تهنیت بنشیند و مردم به جهت مبارک باد او بیایند و هدایا و تحفه‌های خویش را تقدیم کنند.

حضرت فرمود: «من در اخباری که از جدّم رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده، جستجو کردم و از برای این عید چیزی نیافتم و این عید سنتی بوده از برای پارسیان، و اسلام آن را محو نموده است. پناه می‌برم به خدا از اینکه احیا کنم چیزی را که اسلام محو کرده است.» منصور گفت: این کار به جهت سیاست لشکر و سپاهیان می‌کنم و شما را به خداوند عظیم سوگند می‌دهم که قبول کنی و در مجلس بنشینی. پس حضرت قبول فرمود و در مجلس تهنیت نشست و امرا و اعیان لشکر به خدمتش شرفیاب شده و تهنیت گفتند و هدایای خود را تقدیم داشتند. منصور نیز خادمی را مأمور کرده بود که در کنار آن حضرت بایستد و هدایا را ثبت کند. پس چون مردمان آمدند، آخر ایشان پیرمردی وارد شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! من مردی مستمندم و مالی نداشتم که از برای

۱. شریعتی، کویر، ص ۲۶۳؛ آذرنوش، *چالش میان فارسی و عربی*، ص ۲۳۱؛ نبئی، *گاهشماری در تاریخ*، ص ۱۳۰.

۲. نوروز در دوره اسلامی آغاز سال خراجی و محور عملیات دیوان خراج بود.

۳. *جاحظ در کتاب التاج* - که در آن به فرهنگ و آداب ایرانیان پرداخته - به دنبال بحث روش پادشاهان ساسانی در دادن جایزه و مقرری، بابی را تحت عنوان هدایای نوروز و مهرگان باز کرده و به تفصیل از آن سخن رانده است. (*التاج*، ص ۱۴۶ و ۱۵۰) خطیب بغدادی و ابن ندیم به هدیه نوروزی در زمان امام علی علیه السلام نیز اشاره کرده‌اند. (خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، ص ۳۲۶؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۵۵. همچنین رک: ثعالبی، *ثمار القلوب*، ص ۶۵۸؛ بیرونی، *آثار الباقیه*، ص ۳۲۷ و ۳۳۲؛ *قلقشندی*، *صبح الأعشى*، ج ۲، ص ۴۲۰ - ۴۱۸؛ جهشپاری، *الوزراء و الکتاب*، ص ۲۴؛ *صولی*، *ادب الکتاب*، ص ۲۲۰ - ۲۱۹)

۴. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۳۰۶ و ۳۱۳؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۶، ص ۵۶۹. گویا عمر بن عبدالعزیز به دلیل گران آمدن هدایای تحف بر مردم به این کار مبادرت می‌ورزد.

۵. *قمی*، *تاریخ قم*، ص ۱۴۶؛ *خواجه نظام الملک*، *سیاستنامه*، ص ۴۹ - ۴۸؛ *جاحظ*، *المحاسن و الاضداد*، ص ۳۱۳ و ۳۲۴؛ ابن طقطقی، *تاریخ فخری*، ص ۲۱۳؛ *ألوسی*، *بلوغ الارب فی معرفه احوال العرب*، ج ۱، ص ۳۵۱ - ۳۵۰.

شما تحفه‌ای بیاورم، ولیکن سه بیت شعری^۱ را که جذم در مرثیه جدت حسین بن علی علیه السلام سروده است، تقدیم می‌کنم. حضرت فرمود: «هدیه تو را قبول کردم.» آنگاه رو به جانب خادم منصور کرد و فرمود: نزد امیر برو و خبر ده که این مقدار مال جمع شده است. این مال‌ها را چه باید کرد؟ خادم رفت و برگشت و گفت: منصور می‌گوید: تمام را به شما بخشیدم؛ در هرچه خواهی صرف کن. پس حضرت به آن پیرمرد فرمود: این مال‌ها را بردار که همه را به تو بخشیدم.^۲

بررسی روایت معلی بن خنیس

در روایات اسلامی نوروز روزی است که جبرائیل بر حضرت پیامبر نازل شده و واقعه غدیر^۳ رخ داده و روز ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز خواهد بود.^۴ از این‌رو، نوروز با جلوه‌ای مذهبی در میان شیعیان و ایرانیان شهرت و استمرار یافت؛^۵ تا جایی که وارد حوزه احادیث و روایات دینی گردید و

۱. وی سروده است:

عجبت لمصقول علاک فرنده یوم الهیاج و قد علاک غبار
و لیا سهم نفذتک دون حرائر یدعون جدک و الدموع غزار
إلّا تقضضت السهام و عاقها عن جسمک الاجلال و الاکبار

در شگفتم از برق شمشیر که در روز معرکه بر فراز سرت بالا رفته، درحالی که غبار اطراف تو را فراگرفته بود، و تیرهایی که در دیدگاه بانوان آزاده، بر پیکرت فرو رفتند، درحالی که جد تو را فرامی‌خواندند و سیل اشک سرازیر بود. چرا آن تیرها نشکستند و چرا جلال و عظمت تو آنها را از پیکر تو بازداشت؟!

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۴۴. همچنین ر.ک: عطاردی، مسند الامام الکاظم علیه السلام، ج ۱، ص ۵۲ - ۵۱. قبول هدیه از سوی امام در این منابع نیز آمده است: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۷۸؛ کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۱۴۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۰۸. البته برخی مانند مجلسی (بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۱۰۱) و صاحب جواهر (نجفی، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۲) احتمال داده‌اند که ابن شهر آشوب در این حدیث تقیه کرده است.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۲؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۱؛ مرکز معجم فقهی، النوروز فی مصادر الفقه و الحدیث، ص ۱۸ - ۱۷. طبق گاهنامه‌های تاریخی روز عید غدیر خم با اول فروردین سال دهم هجری شمسی مطابق بوده است. (بیرشک، گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، ص ۸۳ و ۱۷۹)

۴. نبئی، گاهشماری در تاریخ، ص ۱۳۴.

۵. همان، ص ۱۳۶. رودکی در شادباش جشن نوروز و عید قربان که هم‌زمان شده بود، می‌گوید: باد بر تو مبارک و خُنشان / جشن نوروز و گوسپندکشان (دیوان رودکی، ص ۹۰) رونق عید نوروز به‌گونه‌ای بوده که خشم غزالی را برانگیخته است. وی در کیمیای سعادت در باب منکرات بازارها می‌نویسد: «افراط کردن در آراستن بازارها به سبب نوروز و قطایف بسیار کردن و تکلیف‌های نو افزودن برای نوروز نشاید، بلکه نوروز و سده باید که مندرس شود و کسی نام آن نبرد.» (کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۵۳۲)

حتی بابتی به نام «باب النوروز / النیروز» به اعمال و آداب آن اختصاص داده شد.^۱

در کتب اربعه شیعه لفظ «نوروز» یک بار آمده،^۲ ولی با لفظ «نیروز» چهار روایت نقل شده است.^۳

مضمون روایات این است: مَعْلَى بن خُنَيس می گوید: «در نوروزی خدمت امام صادق علیه السلام رفتم. فرمود: آیا این روز را می شناسی؟ عرض کردم: این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و برای یکدیگر پیشکش می برند. فرمود: سوگند به بیت عتیق که در مکه است! این رسمی دیرپاست که من تو را از آن آگاه می کنم ... نوروز روزی است که خداوند از بندگانش پیمان گرفت به اینکه جز او را نپرستند؛ روزی است که نخستین بار خورشید بدرخشید و باد بوزید و زمین پر از شکوفه شد؛ روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی نشست ... روزی است که جبرئیل بر پیامبر فرود آمد ... روزی است که حضرت پیامبر، علی را بر شانه بلند کرد تا بت‌های کعبه را سرنگون ساخت ... روزی است که دستور داد مردم با علی بیعت کنند (در غدیر خم) ... روزی است که مردم برای بار دوم پس از مرگ عثمان با علی بیعت کردند ... روزی است که قائم ما از پرده غیب آشکار می شود ... هیچ نوروزی نیست که منتظر فرج نباشیم ... این روز را شما (عرب‌ها) فراموش کردید و ایرانیان آن را نگاه داشته‌اند.»^۴ چنان که پیداست، نوروز در این روایت کاملاً جنبه دینی و صبغهای شیعی دارد و وجه ملی آن بسیار کم است.

نخستین کتابی که به اعمال عید نوروز - یعنی استحباب غسل،^۵ استعمال بوی خوش، روزه گرفتن و چهار رکعت نماز مخصوص - اشاره کرده، *مصباح المتهجد* شیخ طوسی است.^۶ پس از آن

۱. برای نمونه بنگرید به: قمی، *مفاتیح الجنان*، فصل ۱۱.
۲. طوسی، *تهذیب الأحکام*، ج ۶ ص ۳۷۸.
۳. صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۳، ص ۱۹۱؛ کلینی، *الفروع من الکافی*، ج ۵، ص ۱۴۱؛ تمیمی مغربی، *دعائم الاسلام*، ج ۲، ص ۳۲۶؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۲۱۵. بیشتر روایات مربوط به نوروز و آداب آن در کتاب *من لایحضره الفقیه* آمده است که روایاتش نسبت به سایر کتب اربعه ارزش و اعتبار بیشتری دارد.
۴. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵۹، ص ۹۲؛ همو، *زاد المعاد*، ص ۵۲۸؛ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۵، ص ۲۸۹ - ۲۸۸، ج ۸، ص ۱۷۳ و ج ۷، ص ۳۴۶؛ ابن فهد حلی، *المهذب البارع*، ج ۱، ص ۱۹۵ - ۱۹۴.
۵. استحباب غسل از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اعمال ذکر شده برای نوروز است و عمده منابع نیز ذیل همین موضوع به تبیین روایت معْلَى پرداخته‌اند.
۶. *روي المعْلَى بن خُنَيس*، عن مولانا الصادق عليه السلام في يوم النَّيروز، قال: اذا كان يوم النِّمروز، فاغتسل والبس أنظف ثيابك و تطيب بأطيب طيبك و تكون ذلك اليوم صائماً، فإذا صليت التوافل والظهر والعصر فصل بعد ذلك أربع ركعات، تقرأ في أول كل ركعة فاتحه الكتاب وعشر مَرَاتٍ إِنَّا انزلناه [في ليله القدر]، و في الثانية فاتحه الكتاب وعشر مَرَاتٍ قل يا ايها الكافرون، و في الثالثة فاتحه الكتاب وعشر مَرَاتٍ قل هو الله احد، و الرابعة فاتحه الكتاب وعشر مَرَاتٍ المعوذتين، و تسجد بعد فراغك من الركعات سجده الشكر و تدعو فيها، يغفر لك ذنوب خمسين سنة». (طوسی، *مصباح التهجد*، ص ۵۹۹)

در کتاب‌های روایی و فقهی دیگر، از قبیل *المهذب البارع*^۱، *السرائر*^۲، *اللمعة الدمشقیة*^۳، *الجامع للشرایع*^۴، *وسائل الشیعه*^۵، *بحار الأنوار*^۶، *دعائم الاسلام*^۷، *جامع المقاصد*^۸، *کشف اللثام*^۹، *حدائق الناظره*^{۱۰} و *جواهر الکلام*^{۱۱} به این موضوع اشاره شده است.

مستند همه اینها به صراحت یا به دلالت قراین، همان روایت معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام است که از کتاب *مصباح المتجهد* شیخ طوسی یا مختصر آن کتاب نقل کرده‌اند.^{۱۲} البته شیخ طوسی به جز این دو کتاب در هیچ یک از کتاب‌های روایی و فتوایی خود به این روایت و مضمون آن اشاره نکرده است. نسبت این حدیث به کتاب *مصباح المتجهد* و یا مختصر آن، خود حدیث شگفتی است که به آن خواهیم پرداخت.

با بررسی نسخه‌های متعدد چاپی و خطی *مصباح المتجهد* و چند نسخه خطی مختصر *مصباح* معلوم گردید که روایت معلی در هیچ یک از آنها موجود نیست.

نسخه‌های چاپی *مصباح المتجهد*

۱. نسخه‌ای که در سال ۱۰۸۲ ق محمدیحیی بن حبیب الله با خط زیبایی آن را نوشته و با

۱. ابن فهد حلی، *المهذب البارع*، ج ۱، ص ۱۹۲. یکی از بهترین شروح حدیث معلی از ابن فهد حلی است. وی این حدیث را از علامه سید بهاء‌الدین علی بن عبدالحمید با سند خود از معلی بن خنیس، از کتاب *مختصر مصباح* نقل کرده است.
۲. ابن ادریس حلی، *کتاب السرائر*، ج ۱، ص ۳۱۹. ابن ادریس نیز این حدیث را از کتاب *مختصر مصباح* نقل کرده است.
۳. شهید اول، *اللمعة الدمشقیة*، ص ۱۶.
۴. محقق حلی، *الجامع للشرایع*، ص ۳۳.
۵. حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۵، ص ۲۸۹ - ۲۸۸. شیخ حر عاملی این حدیث را با سند خود از معلی بن خنیس از کتاب *مصباح* نقل کرده است.
۶. مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۵۹، ص ۱۰۱. مفصل‌ترین شرح حدیث معلی در *بحار الأنوار* آمده است. مجلسی در حدیث مفصلی ذیل باب «یوم النیروز و تعیینه» به این بحث پرداخته و روایت را به سند معلی از کتاب *مصباح المتجهد* نقل کرده و با رد روایات نقض آن، به شرح روایت پرداخته است.
۷. تمیمی مغربی، *دعائم الاسلام*، ج ۲، ص ۳۲۶.
۸. محقق ثانی، *جامع المقاصد*، ج ۱، ص ۷۵.
۹. فاضل هندی، *کشف اللثام*، ج ۱، ص ۱۱.
۱۰. یوسف بحرانی، *الحدائق الناظره*، ج ۱۳، ص ۳۸۰ و ج ۴، ص ۲۱۲.
۱۱. نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۵، ص ۴۳ - ۴۱. صاحب *جواهر* با تأیید کامل روایت معلی می‌نویسد: استحباب غسل نوروز نظریه مشهور میان متأخرین است، بلکه در میان فقها کسی را مخالف روایت معلی - منقول در *مصباح* و مختصر آن - نیافتیم. (نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۵، ص ۴۱)
۱۲. جعفریان، *نوروز در فرهنگ شیعه*، ص ۲۰۴.

نسخه‌های معتبر مقابله نموده است. این نسخه را اسماعیل انصاری زنجانی با نسخه‌ای که در سال ۱۳۳۸ ق در مشهد چاپ شده (بعد از مقاله با پنج نسخه عتیق) مقابله کرده و در سال ۱۴۰۱ ق در قم به چاپ رسانده است. این نسخه فاقد روایت معلی بن خنیس در مورد نوروز است.

۲. نسخه‌ای که آقای مروارید در سال ۱۴۱۱ ق در مؤسسه فقه الشیعه بیروت به چاپ رسانده است. این نسخه فاقد روایت معلی است.

۳. نسخه‌ای که مؤسسه الاعلمی للمطبوعات در سال ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م در بیروت چاپ نموده است. این نسخه نیز فاقد روایت معلی است.

۴. نسخه‌ای که در سال ۱۳۳۱ ق تحریر شده و به اهتمام حاج عباسقلی خان سهم الملک در تهران توسط مطبعه علمی به چاپ رسیده است. در صفحه ۵۹۹ که اشتهاً ۵۹۱ نوشته شده، بعد از اتمام کتاب و دعای خاتمه آن^۱ چنین آمده: «یوم النیروز، روی المعلی بن خنیس عن مولانا الصادق علیه السلام فی یوم النیروز، قال: اذا كان یوم النیروز فاغتسل ...»^۲ این نسخه از روی نسخه‌ای که با نسخه ابن‌ادریس و ابن‌سکون و علی بن احمد مقابله شده و نیز از روی نسخه‌ای که به سال ۵۰۲ ق نوشته شده، استنساخ گردیده است.

نسخه‌های خطی مصباح المتهدج

۱. نسخه‌های کتابخانه آستان قدس رضوی: در بخش اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی ۴۶ نسخه از کتاب *مصباح المتهدج* وجود دارد که بیشتر آنها مربوط به قرن ۱۱ هجری به بعد است. در قدیمی‌ترین نسخه آن به شماره ۸۸۲۲ که عبدالجبار بن علی نقاش رازی آن را در سال ۵۰۲ ق به خط نسخ کتابت کرده، روایت معلی دیده نمی‌شود، اگرچه بعد از اتمام کتاب چند دعا ضمیمه دارد. یادآوری می‌شود که این نسخه کهن‌ترین نسخه خطی موجود از *مصباح المتهدج* است. در شماره‌های ۲۲۷۶، ۳۲۴۷ و ۲۱۴۳۶ نیز که قدمت آنها به پیش از قرن ۱۱ هجری می‌رسد، روایت معلی دیده نمی‌شود، ولی در برخی نسخه‌های دیگر مانند شماره ۳۲۴۶، ۵۱۶۸۹، ۳۲۴۴ و ۳۴۱۲ که عمدتاً مربوط به قرن ۱۱ و ۱۲ هجری است، در پایان کتاب روایت معلی موجود است.

۱. و نسئل الله تعالی أن يجعله خالصاً لوجهه و ینفعنا و لمن یعمل به أو ینفعه و نسئله أن لا یخلنا من دعائه عقب العمل بما علمناه إن شاء الله تعالی: از خداوند مسئلت می‌کنیم که این را خالص لوجهه قرار دهد و نفع ببخشد ما را و ... کسی که عمل کند به این کتاب یا به بعضی از آن، و از عامل به آن استدعا می‌کنم که ما را از دعای خود در عقب عمل خویش فراموش ننماید، به سبب آنچه او را یاد دادیم؛ ان شاء الله.

۲. طوسی، *مصباح المتهدج*، ص ۵۹۹.

۲. نسخه عتیق کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی: در این نسخه نیز روایت معلی موجود نیست. البته آخر کتاب بازسازی شده، ولی در فهرستی که در اول کتاب موجود است، چنین آمده: «نیروز الفرس و هو آخر الکتاب»، هر چند خط این فهرست بسیار متأخر از زمان کتابت اصل کتاب است.

۳. نسخه‌های کتابخانه مجلس شورای اسلامی: در کتابخانه مجلس ۲۱ نسخه خطی از کتاب *مصباح المتعجد* موجود است که در قدیمی‌ترین نسخه به شماره ۱۲۵۶، مکتوب به سال ۷۸۷ ق، روایت معلی وجود دارد، ولی در نسخه قدیمی دیگر به شماره ۱۲۴۶۰، مکتوب به سال ۹۵۷ ق، روایت معلی موجود نیست.

۴. نسخه‌های کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی: در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی یازده نسخه خطی از *مصباح المتعجد* با شماره‌های: ۲۵۳، ۱۴۲۰، ۲۱۷۳، ۴۸۶۷، ۶۵۱۴، ۶۷۱۶، ۶۸۳۷، ۷۳۰۹، ۷۴۳۸ و ۷۷۵۶ وجود دارد. آغاز و انجام نسخه‌های شماره ۲۵۳، ۱۴۳۰، ۲۱۷۳ و ۴۸۶۷ و همچنین پایان نسخه شماره ۷۳۰۹ افتاده و ناقص است. از آنجا که روایت معلی در آخر کتاب *مصباح المتعجد* است، این نسخه‌ها قابل بررسی و استناد نیستند.

در نسخه‌های شماره ۷۷۵۶ (نسخه معرب از سده یازدهم هجری) در برگ ۲۱۵ - ۲۱۴، شماره ۶۷۱۶ (نسخه‌ای به خط نسخ و نستعلیق از سده نهم هجری، تصحیح و تحشیه عبدالحی بن عبدالوهاب به سال ۹۵۳ ق) در دو برگ آخر، شماره ۶۵۱۴ (به خط محمدصالح بن خان محمد نهالدی از نواحی اهر، رمضان ۱۰۶۳ ق) در برگ آخر و شماره ۷۴۳۸ (نسخه معرب از سده یازدهم هجری) در برگ ۲۳۸ - ۲۳۷ روایت معلی آمده است. اما در نسخه شماره ۶۸۳۷ (نسخه معرب از سده دهم هجری، تصحیح و تحشیه به سال ۱۰۰۵ ق) روایت معلی موجود نیست.

نسخه‌های مختصر المصباح (المصباح الصغیر)

شیخ طوسی *مصباح المتعجد* را خلاصه کرده که به نام مختصر مصباح یا مصباح صغیر شهرت دارد. این کتاب هنوز به چاپ نرسیده، ولی نسخه‌های خطی آن موجود است. در سه نسخه خطی که کپی آنها در مؤسسه امام هادی قم موجود است، روایت معلی وجود ندارد، اما در آخر نسخه خطی که در کتابخانه مدرسه فیضیه به شماره ۱۴۹۹ موجود است، چنین آمده: «یوم النیروز، روی عن معلی بن خنیس عن مولانا الصادق قال: اذا كان يوم النیروز فاغتسل... یغفر لک ذنوب ستین سنة.» بعد از آن شش سطر مشتمل بر صلوات و دعا ذکر شده و در آخر آمده است: «ثم مختصر المصباح من الشیخ کما أن اصله منه.»

در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی پنج نسخه خطی از مختصر *مصباح المتعجد* با شماره‌های ۷،

۲۰۸۲، ۷۳۵۹، ۵۰۵ و ۲۳۴۱ وجود دارد. پایان نسخه‌های شماره ۵۰۵ و ۲۳۴۱ افتاده و ناقص است. در نسخه‌های شماره ۷ (نسخه عرب سال ۱۲۴۰ ق، به قطع جیبی) در برگ ۴۴۱، شماره ۲۰۸۲ (نسخه عرب سال ۹۹۱ ق به عنوان *منهاج الصلاح مختصر المصباح*) در برگ ۲۲۹ و شماره ۷۳۵۹ (نسخه عرب از سده دهم هجری، تصحیح رضا ابن محمد موسوی زنجانی به سال ۱۳۶۹ ق) در برگ ۱۵۹ روایت معلی آمده است.

در کتابخانه آستان قدس رضوی هفت نسخه از مختصر مصباح وجود دارد که از این میان تنها یک نسخه به شماره ۲۲۷۶ مربوط به قبل از قرن ۱۰ هجری است که در آن روایت معلی دیده نمی‌شود. در کتابخانه مجلس نیز دوازده نسخه از مختصر مصباح وجود دارد که در قدیمی‌ترین نسخه به شماره ۱۳۵۴۷ مکتوب به سال ۵۷۸ ق، روایت معلی دیده می‌شود. بررسی نسخه‌های مصباح و مختصر آن و کتاب‌هایی که از آن دو نقل کرده‌اند، نشان می‌دهد که این حدیث به چند دلیل جزو متن کتاب نیست:

۱. برخی از نسخه‌ها به‌ویژه نسخه‌های کهن‌تر، فاقد این روایت است.
 ۲. بیشتر نسخه‌های مشتمل بر این روایت، آن را پس از ختم کتاب آورده‌اند که نشان از افزوده شدن این روایت به کتاب است.

۳. این حدیث با ساختار کتاب مصباح و مختصر آن که بر مبنای ماه‌های قمری است، تناسب ندارد.
 ۴. اگر خود شیخ طوسی این حدیث را - که با ساختار کتابش مناسبتی ندارد - بر آخر کتاب می‌افزود، باید علت آن را توضیح می‌داد؛ چراکه شیخ در مصباح در مواردی که نیاز به توضیح بوده، از این امر خودداری نکرده است. از این رو چنین می‌نماید که این حدیث غیرمستند را کاتب نسخه یا صاحب آن، بعد از شیخ طوسی به آخر کتاب افزوده است. به نظر می‌رسد از آنجاکه ابن‌ادریس و ابن‌فهد این حدیث را از مختصر مصباح نقل کرده‌اند (نه از خود مصباح)، ابتدا این حدیث به آخر مختصر مصباح افزوده گشته و سپس به آخر برخی نسخه‌های مصباح ضمیمه شده است.

تغییر در نسخه‌های خطی، هم توسط کاتبان و هم بر اثر تحولات ایدئولوژیک و سیاسی جامعه، امر رایجی است که تنها می‌توان با مراجعه به نسخه‌های متعدد متوجه آن شد.^۱ از آنجاکه در تصحیح نسخه‌های خطی این مسئله کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در نسخه‌های چاپی مصباح نیز این اشکال مشهود بوده و افزوده‌های نسخه‌های مصباح و مختصر آن به متن چاپی مصباح نیز راه یافته است.

چگونه راوی این احادیث منحصر به یک نفر، یعنی «معلی بن خنیس» است، درحالی‌که یک روز با عظمت و بسیار مهم (طبق مضمون این روایات) باید راویان دیگری نیز داشته و از غیر امام صادق علیه السلام

۱. شفیعی کدکنی، نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها، ص ۹۳.

هم نقل شده باشد؟ اما با کمال تعجب همه روایات به نقل معلی از امام صادق علیه السلام ختم می‌شود. بررسی متن حدیث نشان می‌دهد برخی مطالب موجود در روایات معلی به خصوص حدیث طولانی منقول از او، شباهت چندانی به کلام ائمه علیهم السلام ندارد، بلکه به سخن منجمان شبیه است.^۱ از این روی، امکان وقوع حوادث مزبور در آن روایات، بسیار بعید و بلکه ناممکن است. به نظر می‌رسد این روایت از جمله مجعولاتی باشد که غالیان به معلی نسبت داده‌اند. به نقل از ابن غضائری، از آنجاکه غالیان روایاتی را به معلی بن خنیس منسوب کرده‌اند، نمی‌توان به‌طور کامل به اخبار وی اعتماد کرد.^۲

احادیث معلی با حدیث ابن شهر آشوب از امام موسی بن جعفر علیه السلام، معارض است.^۳ از این رو نمی‌شود با تمسک به «تسامح در ادله سنن» به استحباب اعمال نوروز فتوا داد. بنای اسلام بر ماه‌های قمری است و اسلام به ماه‌های شمسی اعتنایی ندارد و معمول نیست که یک واقعه تاریخی را هم به تاریخ قمری و هم به تاریخ شمسی منعکس نماید. از آیه ۳۶ سوره توبه^۴ نیز چنین برمی‌آید که دوازده ماهی که منظور خداوند متعال است، ماه‌های قمری است که چهار ماه آن ماه حرام است. از این رو، وقوع برخی از این وقایع در یکی از روزهای تاریخ شمسی، اگر صحت هم داشته باشد، دارای ارزش نیست و اسلام آن را ملاک عمل برای مؤمنان قرار نداده است.

۱. مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۷، ص ۱۹.

۲. ابن غضائری، الرجال، ج ۱، ص ۸۷. نجاشی نیز متأثر از او، معلی را تضعیف کرده است. (رجال النجاشی، ص ۴۱۷. همچنین ر.ک: قهپائی، مجمع الرجال، ج ۶، ص ۱۱۰)

۳. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۳۴۴؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۲. سید جواد علوی و شیخ محمد آخوندی در این زمینه چنین می‌نگارند: دو روایت متعارض درباره نوروز وارد شده است: یکی از معلی بن خنیس به نقل از امام صادق علیه السلام که بر عظمت و شرافت این روز دلالت دارد، و دیگری از امام کاظم علیه السلام که نوروز را از سنت‌های پارسیان دانسته که اسلام آن را محو کرده است. هیچ یک از این دو روایت، حدیث صحیح و معتبر نیستند تا حکم شرعی به واسطه آنها اثبات شود؛ افزون بر اینکه روایت معلی از جهت تطبیق نوروز با ایام متعددی از ماه‌های عربی، اشکالات دیگری نیز دارد. از سویی ظاهر روایت امام کاظم علیه السلام حرمت تعظیم و اهمیت دادن به نوروز است؛ چراکه این امر تعظیم شعار کافران و زنده کردن سنتی است که اسلام آن را محو کرده است. این روایت اگرچه از نظر سند واجد شرایط حجیت نیست، مضمون آن درست است؛ زیرا کبرای مطلب با ادله عامه و صغرای آن با وجدان قابل اثبات است. اما آنچه موجب شده بسیاری از فقها به استحباب غسل و روزه در عید نوروز فتوا دهند، ظاهراً مبنی بر «تسامح در ادله سنن» است. اما اجرای این قاعده در اینجا خالی از اشکال نیست؛ زیرا قاعده مزبور از مواردی که احتمال حرمت در آن می‌رود، انصراف دارد و در اینجا غسل و روزه احتمال حرمت دارند، چراکه ممکن است مصداق تعظیم حرام باشند. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۰۰، پاورقی)

۴. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ.

بر فرض اثبات اعمال استحبابی نوروز به استناد روایت معلی، معلوم نیست آن روز که در روایت معلی آمده، چه روزی است. قطعاً نوروز فعلی که بعد از سال ۴۶۷ مرسوم شده، مراد نبوده است^۱ و علما نیز در تعیین نوروز در آن زمان اختلاف دارند^۲؛ زیرا در آن ایام نوروز ثابت نبوده است.

نتیجه

عمده روایات درباره عید نوروز از معلی بن خنیس است: یک روایت در اعمال عید نوروز و دو روایت در فضیلت آن است که یکی مختصر و دیگری مفصل است. این دو روایت شبیه گفتار منجمان است و محتوای آن با واقعیت‌های تاریخی تطابق ندارد.

از روایت معلی در مصادر کهن ذکری نشده و نخستین اثری که این روایت به آن نسبت داده می‌شود، مصباح‌المتجهّد شیخ طوسی است.

با اینکه برخی مانند ابن‌ادریس و ابن‌فهد روایت اعمال نوروز را به مختصر مصباح، و برخی دیگر همچون علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی به خود مصباح نسبت داده‌اند، با بررسی نسخه‌های مصباح‌المتجهّد و مختصر آن مشخص شد که این حدیث در متن اصلی مصباح و مختصر آن موجود نیست و در پایان برخی از نسخه‌های اخیر این دو کتاب افزوده شده است.

هرچند اصل نوروز را نمی‌توان نادیده انگاشت، بنابر آنچه گفته شد، نمی‌توان برای تعظیم و تجلیل نوروز دلیل روایی به دست داد و همچنین بر پایه حدیث معلی این روز را با اعمال و آیینی خاص، در زمره اعیاد شرعی برشمرد.

از آنجاکه روایت معلی از قرن یازدهم هجری به بعد وارد متن مصباح‌المتجهّد شده است، به نظر می‌رسد جلوه مذهبی و اسلامی نوروز از زمان صفویه و در نتیجه تحولات سیاسی و ایدئولوژیک آن

۱. شاید مراد از نوروز هر روز نویی باشد که به مثابه یوم الله است که در آن اتفاق بابرکت و خوشایندی رخ داده است. گاه در زبان ائمه نیز عید به معنای خاصی استعمال می‌شده؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: *إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَشَكَرَ قِيَامَهُ، وَكُلُّ يَوْمٍ لَا يَعْبَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٌ.* (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸)

۲. قاضی طباطبایی در این باره می‌نویسد: «نوروزی که حضرت امام صادق علیه السلام به معلی بن خنیس فرموده، یا نوروزی که در زمان منصور دوانیقی بوده که امام کاظم علیه السلام فرموده که من همچو عیدی در اسلام نیافتم، ربطی به این نوروز که در این زمان‌ها متداول شده ندارد. این نوروزی که اول حمل است و برقرار در آن روز کرده‌اند، این نوروز جلالی، ملک شاهی، سلطانی، ملکی، نسبت به سلطان جلال الدوله ملک‌شاه سلجوقی می‌باشد که از سال ۴۷۱ ق در آن روز تعیین نموده‌اند. تعجب از بعضی بزرگان است که فرموده‌اند [مشهور در زمان، نوروز عبارت از اول حمل است و روایت معلی را تطبیق با آن کرده ولی تحقیق نفرموده‌اند] که از کدام زمان مشهور شده؛ در صورتی که از سال ۴۷۱ ق به این طرف مشهور شده است و در زمان امام صادق علیه السلام معلوم نیست کدام روز بوده است.» (قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهداء، پاورقی ص ۶۴ - ۶۳)

دوره مرسوم شده است و عالمان و بزرگان عصر صفوی نیز کوشیده‌اند با افزودن برخی ادعیه و اعمال و آداب دینی، رنگ و بوی مذهبی به آن بدهند. نوروزیه‌های فراوانی که پس از دوره صفویه پدید آمدند، گواه روشنی بر این مدعاست.

البته برپایی جشن نوروز، اگر به خرافه و اعمال خلاف شرع آلوده نگردد، اشکالی ندارد و حتی به دلیل توأم بودن آن با اعمالی مثل هدیه دادن، صلح و رحمت، احترام به بزرگ‌ترها، مهربانی با کوچک‌ترها، پاکیزگی و آراستگی - که در هر زمانی مورد پسند عقل و شرع است - باید گرامی داشته شود. بنابراین اصل نوروز مورد تأیید است و ایستادگی در برابر آیینی ملی از زاویه شرع و دین و رد آن، صحیح نیست، ولی ذکر و انجام اعمال ابداعی خاص برای آن قابل خدشه است.

منابع و مأخذ

۱. آذرنوش، آذرتاش، چالش میان فارسی و عربی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
۲. آلوسی بغدادی، سید محمود شکری، بلوغ الارب فی معرفة احوال العرب، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳. ابن ادریس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور، کتاب السرائر، الطبعة الخامسة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۴. ابن شهر آشوب، ابی جعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، تحقیق یوسف البقاعی، الطبعة الثانية، بیروت، دارالاضواء، ۱۹۹۱ / ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبای، تاریخ فخری، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۷.
۶. ابن غضائری واسطی بغدادی، احمد بن حسین، الرجال لابن الغضائری، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
۷. ابن فهد حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد، المهذب البارع، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، نشر محقق، بی تا.
۹. بحرانی، یوسف، الحدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة، تحقیق شیخ علی آخوندی، قم، مطبعه مهر، بی تا.
۱۰. بهار، مهرداد، بندهش، تهران، توس، ۱۳۶۹.

۱۱. بیرشک، احمد، *گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله*، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، چ ۲، ۱۳۷۳.
۱۲. بیرونی، ابوریحان، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، چ ۶، ۱۳۸۹.
۱۳. بیرونی، ابوریحان، *التفهیم، تصحیح جلال‌الدین همایی*، تهران، بابک، ۱۳۶۲.
۱۴. پورداوود، یشت‌ها، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران، دانشگاه تهران، ۲۵۳۶.
۱۵. تقی‌زاده، سیدحسن، *نوروز*، بیست مقاله تقی‌زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.
۱۶. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، الطبعة الثانية، قاهره، دارالمعارف، بی‌تا.
۱۷. تهرانی، آقابزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۲۴، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۶.
۱۸. ثعالبی، ابی‌منصور عبدالملک بن محمد، *ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب*، ترجمه رضا انزابی نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۷.
۱۹. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، *التاج*، به کوشش احمد زکی پاشا، قاهره، امیریه، ۱۹۱۴ ق.
۲۰. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر، *المحاسن و الأضداد*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۶ م.
۲۱. جعفریان، رسول، «نوروز در فرهنگ شیعه»، *فصلنامه نامه مفید*، شماره ۹، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۲۰ - ۲۰۱.
۲۲. جهشیاری، محمد بن عبدوس، *کتاب الوزراء و الکتاب*، قاهره، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، طهران، مکتبه الاسلامیه، الطبعة الخامسة، بی‌تا.
۲۴. حلی، یحیی بن سعید، *الجامع للشرایع*، قم، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ ق.
۲۵. خطیب بغدادی، ابی‌بکر احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، ج ۱۳، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.
۲۶. خواجه نظام‌الملک طوسی، حسن بن علی، *سیاستنامه (سیر الملوک)*، به کوشش جعفر شعار، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۴.
۲۷. رضایی، عبدالعظیم، *تاریخ نوروز و گاهشماری ایران*، تهران، در، ۱۳۷۹.
۲۸. شریعتی، علی، *کویت، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا*.
۲۹. شفیعی کدکنی، محمدرضا، «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها»، *نامه بهارستان*، سال پنجم، ش ۲ - ۱، بهار و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۱۰ - ۹۳.
۳۰. شهید اول، محد بن مکی، *اللمعة الدمشقیه*، طهران، مرکز بحوث الحج و العمره، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.

۳۲. صولی، ابی بکر محمد بن یحیی، *ادب الکتّاب*، تصحیح محمد بهجه الأثری، بغداد، مکتبه العربیه / قاهره، مطبعه السلفیه، ۱۳۴۱ ق.
۳۳. طباطبایی، محیط، «نوروز و نوروزنامه»، *ماهنامه یغما*، ش ۱۸۹، فروردین ۱۳۴۳، ص ۷-۱.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری (تاریخ الرسل و الملوک)*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف بمصر، ۱۹۶۴ م.
۳۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتهدج*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م.
۳۶. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتهدج*، تصحیح علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه الفقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
۳۷. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتهدج*، تصحیح و تنظیم اسماعیل انصاری زنجانی، قم، بی نا، بی تا.
۳۸. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتهدج*، چاپ حاج عباسقلی خان سهم الملک، تهران، بی نا، بی تا.
۳۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسین، *تهذیب الاحکام*، بیروت، دار صعب و دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.
۴۰. طوسی، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، تصحیح میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجالی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۶ ق.
۴۱. عطاردی، عزیزالله، *مسند الامام کاظم علیه السلام*، ج ۱، مشهد، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. غزالی، محمد، *کیمیای سعادت*، به کوشش حسین خدیوخم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۴۳. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن حسن، *کشف اللثام*، قم، منشورات مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق.
۴۴. فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، تصحیح ژول مول، تهران، سخن، ۱۳۶۹.
۴۵. قاضی طباطبایی، سید محمدعلی، *تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام*، قم، بنیاد علمی فرهنگی شهید آیه الله قاضی طباطبایی، چ ۳، ۱۳۶۸.
۴۶. قلقشندی، ابی العباس احمد بن علی، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشا*، قاهره، المؤسسه المصریه العامه، بی تا.

- ۴۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، س ۷، زمستان ۹۵، ش ۲۵
۴۷. قمی، حسن بن محمد بن حسن، تاریخ قم، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، تهران، توس، ۱۳۶۱.
۴۸. قهپائی، عنایة‌الله بن علی، مجمع الرجال، تصحیح علامه اصفهانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی‌تا.
۴۹. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رسیده یاسمی، تهران، دنیای کتاب، ج ۷، ۱۳۷۵.
۵۰. کریمیان سردشتی، نادر و علیرضا عسگری چاوردی، کتابشناسی نوروز، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور: پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۸۲.
۵۱. کلینی، یعقوب، الفروع من الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت، دارصعب / دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.
۵۲. گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، تاریخ گردیزی، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۵۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲، ۱۳۶۴.
۵۴. مجلسی، محمدباقر، زادالمعاد، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۸ ق.
۵۵. محقق ثانی، علی بن حسین کرکی، الجامع المقاصد، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاءالتراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۵۶. محمدی ملایری، محمد، «آیین‌های نوروز در پیچ و خم‌های تاریخ»، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (پیوست‌ها)، تهران، توس، ۱۳۷۹.
۵۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و المعادن الجواهر، تحقیق یوسف اسعد داغر، قم، دارالهجره، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م.
۵۸. مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۵۹. مهریزی، مهدی، «نوروز در روایات اسلامی»، فصلنامه علوم حدیث، دانشکده علوم حدیث، ش ۱۵، بهار ۱۳۷۹، ص ۳۳ - ۲.
۶۰. نبئی، ابوالفضل، گاهشماری در تاریخ، تهران، سمت، ج ۵، ۱۳۸۹.
۶۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۶۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، بیروت، دار احیاءالتراث العربی، بی‌تا.
۶۳. همایی، جلال‌الدین، تاریخ ادبیات ایران، تهران، کتابفروشی فروغی، ج ۳، بی‌تا.
۶۴. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا.